




The University of Tehran Press

The Necessity of Non-State Actors Accountability within the Framework of International Responsibility

Mohamad Setayeshpur[✉] 

1. Assistant Prof., International law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Islamic Republic of Iran. Email: m.setayeshpur@qom.ac.ir

Article Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> <hr/> <p>Pages: 1137-1153</p> <hr/> <p>Received: 2022/09/23</p> <p>Received in revised form: 2023/03/27</p> <p>Accepted: 2023/06/25</p> <p>Published online: 2024/06/21</p> <hr/> <p>Keywords: <i>non-state actor, accountability, dynamism of international law, progressive development of international law.</i></p>	<p>Although states and international organizations are considered as active subjects in international law, non - state actors play an important role due to transition from international society to international community. Non - state actors such as I S I S could no longer remain with no accountability in international community in the perspective of public international law. The present paper tries to scrutinize the necessity of accountability of non - state actors in the context of non liquet in international law of responsibility in order to overcoming the related challenges. The law of international responsibility has a customary character and in addition to the formation of custom, it must be identified. International courts are considered as the best ones for its identification. Nevertheless, lack of the said tribunal which has jurisdiction is the huge problem. The articles of international law commission as the entity for the codification and progressive development of international law, in respect of international responsibility have not dealt with the responsibility of non - state actors, however their responsibility has not been denied and it has even provided a way to address it. In the absence of explicit provision in respect of international responsibility of non - state actors, it can be understood that the silence does not deny the international accountability of non - state actors.</p>
<p>How To Cite</p>	<p>Setayeshpur, Mohamad (2024). The Necessity of Non-State Actors Accountability within the Framework of International Responsibility. <i>Public Law Studies Quarterly</i>, 54 (2), 1137-1153. DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2023.349058.3186</p>
<p>DOI</p>	<p>10.22059/JPLSQ.2023.349058.3186</p>
<p>Publisher</p>	<p>University of Tehran Press. </p>



انتشارات دانشگاه تهران

فصلنامه مطالعات حقوق عمومی

شاپا الکترونیکی: ۸۱۳۹-۲۴۲۳

دوره ۵: ۵۴، شماره ۲:

تابستان ۱۴۰۳

Homepage: <http://jplsq.ut.ac.ir>

بایستگی پاسخگویی کنشگران غیردولتی در چارچوب نظام مسئولیت بین‌المللی

«همتم بدرقه راه کن ای طائر قدس/

که دراز است ره مقصد و من نو سفرم»

(حافظ، غزلیات، غزل شماره ۳۲۸)

محمد ستایش پور[✉]

۱. استادیار حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق دانشگاه قم، قم، جمهوری اسلامی ایران. رایانامه: m.setayeshpur@qom.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>صفحات: ۱۱۳۷-۱۱۵۳</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۱</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۱/۰۷</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۰۵</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۳/۰۴/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: پاسخگویی، پویایی نظام بین‌الملل، توسعه تدریجی قواعد بین‌المللی، کنشگر غیردولتی.</p>	<p>با اینکه کشورها و سازمان‌های بین‌المللی، تابعان فعال حقوق بین‌الملل دانسته می‌شوند، ولی با گذار از اجتماع بین‌المللی به جامعه بین‌المللی، بازیگران غیردولتی نیز نقش پررنگی ایفا می‌کنند؛ به‌نحوی که دیگر نمی‌توان بازیگران غیردولتی نظیر دولت خودخوانده اسلامی عراق و شام (داعش)، را بدون هیچ پاسخگویی، تنها زیان‌دیده قلمداد کرد. جستار پیش‌رو بر آن است تا در سیاق خلأ نظام مسئولیت بین‌المللی، در گذر از چالش‌ها به بایستگی تحقق پاسخگویی بازیگران غیردولتی نظر بدوزد. حقوق مسئولیت بین‌المللی، بیشتر عرف‌محور است و عرف بین‌المللی، به‌عنوان یکی از منابع اصلی حقوق بین‌الملل، افزون بر تکوین، لازم است که احراز شود و در راه احراز عرف بین‌المللی، محاکم بین‌المللی بهترین گزینه دانسته می‌شوند. این در حالی است که محاکم بین‌المللی صالح در حوزه بازیگران غیردولتی بسیار نادرند. مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد، به‌عنوان نهاد علمی تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل، در زمینه مسئولیت بین‌المللی، به فراخور موضوع خود به بازیگران غیردولتی نپرداخته، مسئولیت آنها را منکر نشده و حتی راه را برای پرداختن به آن فراهم گذاشته است. در نبود جواز صریح در مورد مسئولیت بین‌المللی بازیگران غیردولتی، مضیق‌ترین دریافت این است که سکوت به معنای انکار مسئولیت بین‌المللی بازیگران غیردولتی قلمداد نمی‌شود.</p>
<p>استناد</p> <p>ستایش پور، محمد (۱۴۰۳). بایستگی پاسخگویی کنشگران غیردولتی در چارچوب نظام مسئولیت بین‌المللی. <i>مطالعات حقوق عمومی</i>، ۵۴ (۲)، ۱۱۳۷-۱۱۵۳. DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2023.349058.3186</p>	
<p>DOI</p> <p>10.22059/JPLSQ.2023.349058.3186</p>	
<p>ناشر</p> <p>مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.</p>	



۱. مقدمه

در عصر حاضر، بازیگران غیردولتی^۱ در جامعه بین‌المللی نقش پررنگی ایفا می‌کنند و منشأ تحولات مهمی در زمینه‌های مختلف بین‌المللی دانسته می‌شوند. حقوق و به‌ویژه حقوق بین‌الملل که ویژگی بارز آن، سیال و پویا بودن تلقی می‌شود نیز دستخوش این تحولات بوده است. اگرچه دولت‌ها^۲ و سازمان‌های بین‌المللی، تابعان فعال حقوق بین‌الملل دانسته می‌شوند، ولی نقش پررنگ بازیگران غیردولتی نیز انکارناپذیر است. مسئولیت بین‌المللی بازیگران غیردولتی از موضوعات چالش‌برانگیز است. مسئولیت بین‌المللی یکی از زمینه‌های بنیادین در حقوق بین‌الملل است که دیگر زمینه‌های حقوق بین‌الملل به آن مربوط‌اند. مسئولیت بین‌المللی متضمن تعهدات ثانویه است. بدین معنا که افزون بر تعهد اولیه، تعهد ثانویه وجود دارد و این‌گونه نیست که تعهد ثانویه، جایگزین تعهد اولیه شود. در نفس تحقق مسئولیت بین‌المللی و صرف نظر از پیامدهای آن، منشأ تعهد اولیه می‌تواند هریک از منابع اصلی حقوق بین‌الملل باشد، ولی در مرحله رسیدگی به پیامدهای مسئولیت بین‌المللی، تعهداتی که برخاسته از نقض گسترده و نظام‌مند قاعده آمره هستند، پیامدهای مخصوص به خود را نیز دارند.

مقاله پیش‌رو، به نفس تحقق مسئولیت، صرف نظر از پیامدهای آن نظر می‌دورد و این همان امری است که در مورد آن چالش بسیار است. در حقوق بین‌الملل موضوعه، هیچ سند بین‌المللی الزام‌آوری وجود ندارد که به‌گونه‌ای جامع، متضمن قواعد حقوقی بین‌المللی در حوزه مسئولیت بین‌المللی باشد. قواعد حقوقی مسئولیت بین‌المللی، بیشتر جنبه حقوقی بین‌المللی در حوزه مسئولیت بین‌المللی باشد. حقوق بین‌الملل، نه دو مجموعه مواد مربوط به مسئولیت بین‌المللی بابت عمل متخلفانه بین‌المللی و نه مجموعه مواد در زمینه مسئولیت بین‌المللی بابت پیامدهای زیانبار ناشی از اعمال منع‌نشده در حقوق بین‌الملل، به مسئولیت بین‌المللی بازیگران غیردولتی نظر ندوخته‌اند و البته نافی و منکر آن نیز نشده‌اند. این در حالی است که در دنیای کنونی بین‌المللی، گستره و میزان اثرگذاری بازیگران غیردولتی رو به فزونی است. به‌طور نمونه می‌توان به دولت خودخوانده اسلامی عراق و شام (داعش) اشاره کرد که با اعمال شنیع خود، کل دنیا را متأثر ساخته است. در همان زمان، زمزمه‌هایی به گوش می‌رسید که به‌منظور بار کردن مسئولیت بین‌المللی، داعش به‌عنوان یک دولت-کشور به رسمیت شناخته شود! این در حالی است که به موجب حقوق بین‌الملل، داعش، واجد ماهیت یک کشور دانسته نشده است. باری در این راه باید قواعد مربوط به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلاف بین‌المللی و تحقق مسئولیت بین‌المللی را به

۱ گاهی در ادبیات فارسی حقوق و روابط بین‌الملل، از آن به کنشگران غیردولتی یا گروه سازمان‌یافته غیردولتی نیز یاد شده است.
 ۲ «دولت» در مفهوم موسع کلمه، یعنی «دولت-کشور»، مدنظر است که شامل تمام ارگان‌های کشور اعم از اجرایی، قضایی و تقنینی می‌شود (Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, 2001: Art. 4).

لحاظ حقوقی متمایز دانست. چه بسا مسئولیت بین‌المللی محقق شود، ولی به هر دلیل سازوکار حل و فصل مسألت‌آمیز اختلاف مربوط طی یا پی نشود. جستار حاضر بر آن است تا در خلأ نظام مسئولیت بین‌المللی، در گذر از چالش‌ها به بایستگی تحقق پاسخگویی بازیگران غیردولتی نظر بدوزد.

۲. امکان سنجی نقض تعهد اولیه توسط بازیگران غیردولتی

حقوق مسئولیت بین‌المللی بابت عمل متخلفانه بین‌المللی در بردارنده تعهدات ثانویه است. بدین معنا که مادامی که تعهد اولیه نقض نشود، سخن گفتن از حقوق مسئولیت بین‌المللی به‌عنوان زمینه‌ای از حقوق که متضمن تعهدات ثانویه است، محلی از اعراب پیدا نمی‌کند (ستایش پور و کیخسروی، ۱۴۰۱: ۲۰۴۲). در این باره، به حکم منطق، نقض تعهد اولیه، مستلزم التزام به آن تعهد اولیه است. چه اینکه، چنانچه شخص، اعم از حقیقی و حقوقی، به تعهد پایبند دانسته نشود، نقض آن تعهد، متخلفانه دانسته نخواهد شد و اساساً نقض تعهد مربوطه محملی نمی‌یابد (Carillo Santarelli, 2008: 8). در این باره می‌توان به تعهدات بازیگران غیردولتی در زمینه حقوق بشر اشاره کرد. با اینکه تعهدات نظام بین‌المللی حقوق بشر، بیشتر متوجه دولت‌ها دانسته می‌شود، اما این گونه نیست که دیگر موجودیت‌ها در نظام بین‌المللی حقوق بشر، تعهدی نداشته باشند.

در معاهدات مهم بین‌المللی نظیر معاهده ۱۹۷۳ سرکوب و مجازات تبعیض نژادی و معاهده ۱۹۴۸ منع و مجازات جنایت نسل‌زدایی، به تعهدات حقوقی افراد، به‌عنوان موجودیت‌های غیردولتی، در نظام بین‌المللی حقوق بشر اشاره شده است (International Covenant on the Elimination of all Forms of Racial Discrimination, 1966: Art. 2; Genocide Convention, Arts 4 & 5). اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری نیز در همین مسیر گام برداشته است. همچنین مضاف بر معاهدات بین‌المللی می‌توان به اسناد مهمی نظیر قطعنامه‌های شورای امنیت در خصوص وضعیت افغانستان، گینه بیسائو و لیبیا اشاره کرد که متضمن آن است که بازیگران غیردولتی نیز تعهدات حقوق بشر و بشردوستانه را مرعی بدانند (UNSC Res, 1471, 2003; Res, 1216, 1998; & Res, 1509, 2003). این امور موجب شده است تا محدود دانستن تعهدات نظام بین‌المللی حقوق بشر به تعهدات دولت، پذیرفته نباشد و حتی بعضی آن را مضحک بخوانند (Farrior, 1998: 301). با اینکه در نیمه دوم قرن بیستم میلادی، به‌طور رو به تزایدی، پذیرفته شده است که بازیگران غیردولتی، باید تعهدات حقوقی بین‌المللی را مرعی بدانند، یافته‌های منظم گویای آن است که چنین تعهداتی، رعایت نشده‌اند و از این رو، اقتضا دارد تا برای چنین نقض‌هایی، به‌ویژه در زمینه مسئولیت، که بیشتر ظهور و بروز دارند، پیامد حقوقی در نظر گرفته شود (Gal-or et al., 2015).

در این مسیر، زبانی که این بازیگران غیردولتی می‌توانند ایجاد کنند، صرف‌نظر از تعهدات بین‌المللی آنها، انتظاراتی را ایجاد کرده است که حقوق بین‌الملل، به اقدامات زینبار پپردازد و پیامدهای جبرانی برای آنها در نظر بگیرد. مشکلات نظری و عملی که سیاستگذاران و حقوقدانان بین‌المللی در تلاش برای رویارویی با چنین اقتضائاتی با آنها مواجه‌اند، به‌خوبی مشخص‌اند. نخست، چارچوب‌های مسئولیت، که برای پرداختن رفتار متخلفانه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، ترسیم شده‌اند، تنها می‌توانند بخش محدودی از رفتار بازیگران غیردولتی را که نقض حقوق بین‌المللی قلمداد می‌شوند، در برگیرند. همین‌طور رویکرد غالب مبتنی بر نقض در خصوص مسئولیت در حقوق بین‌الملل، تاب آن ندارد که آن دسته از اقدامات زینبار بازیگران غیردولتی را که نقض تعهد حقوقی بین‌المللی نیستند بر حذر بدارد. افزون بر این، آشکال رفتار بازیگران غیردولتی، صرف‌نظر از اینکه نقض تعهدات آنها قلمداد شود یا خیر، رفتارهایی پیچیده و مرکب است؛ چراکه اغلب همراه با مشارکت یا ایفای نقش دیگر بازیگران، نظیر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی است. اقدامات بازیگران غیردولتی به‌ندرت، بدون نقش دولت یا سازمان بین‌المللی، صورت می‌پذیرد و از منظر سِمَت و شخص، اقداماتی چندبعدی به‌شمار می‌روند.

در پی تحولات صورت‌گرفته در پهنه بین‌المللی، دیگر نمی‌توان گفت که بازیگران غیردولتی، صرفاً زیان‌دیده اعمال متخلفانه ارتكابی توسط دولت‌ها هستند، بلکه بسیاری از تعهدات اولیه حقوقی بین‌المللی متوجه بازیگران غیردولتی است و آنها را ملزم به رعایت می‌دارد (زمانی و ضیائی، ۱۳۹۰: ۵۳). در این باره، اندیشمند برجسته حقوق بین‌الملل، تاموشات، در خصوص آن دسته از قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد که به‌نحوی متضمن تعهد برای بازیگران غیردولتی نیز دانسته می‌شود، بر این موضع است که تعهد مندرج در قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد پایبندی بازیگر غیردولتی به حقوق بین‌الملل، بیانگر تعهد از پیش موجود است و نه خالق تعهد نو (Tomuschat, 2004: 586). بدین معنا که از پیش، حقوق بین‌الملل موضوعه، بازیگران غیردولتی را نیز متعهد و ملتزم می‌داند و قطعنامه‌های شورای امنیت در مواردی نظیر یوگسلاوی سابق، افغانستان، سودان، سیرالئون، سومالی، ساحل عاج، لیبیا، آنگولا و کنگو، در خصوص بایستگی پایبندی به حقوق بشر، از باب انعکاس قاعده از پیش موجود دانسته می‌شود، بدین معنا که تولیدکننده قاعده جدید نیست. همسو با این موضع می‌توان به رویکرد هیأت گزارشگر ویژه رژیم صهیونیستی و لبنان در سال ۲۰۰۶ میلادی اشاره کرد که طی آن بازیگر غیردولتی را نیز ملزم به رعایت حقوق بشر دانسته است (Mc Beth, 2008: 30). در مسیر همین جریان، شورای امنیت سازمان ملل متحد در قطعنامه شماره ۱۲۴۴ سخن از اصل برابری نیروهای متخاصم در برابر تعهدات برخاسته از حقوق بین‌الملل به میان آورده است. اصل دانستن این امر در قطعنامه نهادی که رسالت آن حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است، خود حکایت از آن دارد که بازیگران غیردولتی نیز مقتضی است به تعهدات مربوطه ملتزم دانسته شوند؛ امری که خود تا اندازه زیادی متأثر از آن است که تقریباً همه کشورهای در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو عضویت دارند (زمانی و ضیائی، ۱۳۹۰: ۶۰ و ۶۲).

۳. تفکیک بین سه سطح از پاسخگویی در پهنه بین‌المللی

پاسخگویی از سه سطح تشکیل می‌شود و این سه سطح با یکدیگر مرتبط‌اند و هر سطح، در تأیید یکدیگر، و همسو با سطح دیگر دانسته شده است (d'Aspremont et al., 2015: 52). سطح اول، گستره‌ای است که سازمان‌های بین‌المللی در ایفای کارکردهای خود در اسناد مؤسس، تأسیس شده‌اند و باید قطع نظر از مسئولیت بالقوه ۱ یا بعدی ۲، اشکال رسیدگی و نظارت داخلی ۳ و خارجی ۴ را اعمال کنند؛ سطح دوم، مسئولیت بابت پیامدهای خسارت‌باری است که در پی فعل یا ترک فعل ناشی از عمل منع نشده در حقوق بین‌الملل صورت می‌گیرد. به‌طور مثال فعالیت‌های مجاز فضایی یا هسته‌ای که موجب خسارت زیست‌محیطی شوند؛ سطح سوم، مسئولیت بین‌المللی بابت اعمالی است که نقض تعهد بین‌المللی قلمداد می‌شوند (ILA Doc., 2004: 5).

نقض تعهد بین‌المللی و انتساب عمل به‌عنوان دو عنصر در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی، برای تحقق مسئولیت بین‌المللی بابت عمل متخلفانه بین‌المللی لازم است، ولی این امر مانع از پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری بازیگر غیردولتی در دو سطح دیگر نیست. پایبند نبودن بازیگران غیردولتی به تعهدات اولیه حقوقی بین‌المللی، منطقاً مانع از تحقق ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی و مسئولیت بین‌المللی ناشی از آن دانسته می‌شود (زمانی و ضیائی، ۱۳۹۰: ۵۳). حقوق بین‌الملل موضوعه و رویه دولتی ۵، نشان از آن دارد که چنانچه رفتار بازیگر غیردولتی به دولت منتسب باشد، رفتار مربوط، رفتار دولت دانسته می‌شود و در وضعیت انتساب رفتار بازیگر غیردولتی به دولت، طرح مسئولیت بین‌المللی بازیگر غیردولتی، محلی از اعراب نمی‌یابد. به‌طور مثال به موجب مقررۀ منعکس‌شده در ماده ۵ مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت بابت عمل متخلفانه بین‌المللی، رفتار اشخاص یا نهادهایی که عناصری از اقتدارات حکومتی را اعمال می‌کنند، رفتار دولت-کشور قلمداد می‌شود (League of Nations, Conference for the Codification of International Law, 90). در واقع، در چنین حالتی، این وضعیت متصور است که رفتار بازیگر غیردولتی به دولت-کشور منتسب دانسته شود (ARSIWA, 2001: 43). افزون بر این، به موجب ماده ۹ مجموعه مواد یادشده، رفتاری ضروری که در نبود یا به‌جای مقامات رسمی کشور انجام گیرد، ولو اینکه توسط بازیگر غیردولتی صورت گرفته باشد، منتسب به آن دولت-کشور قلمداد می‌شود (ARSIWA, 2001: Art. 9). در واقع، در

1. Potential
2. Subsequent
3. Internal
4. External

۵. در اثبات بررسی‌های کنفرانس تدوین حقوق بین‌الملل، آلمان تصریح داشت که این امر، در رویه آن کشور پذیرفته شده است (League of Nations, Conference for the Codification of International Law, 90).

وضعیت‌های مذکور، برای انتساب رفتار، آنچه در درجه اول اهمیت قرار دارد، این است که آن شخص، نهاد یا گروه، صرف‌نظر از ماهیت و جایگاهی که دارد، عناصری از اقتدار حکومتی^۱ را اعمال کند. پس، این امر متصور است که رفتار بازیگر غیردولتی به دولت-کشور منتسب دانسته شود. در مواردی که عمل بازیگر غیردولتی، به دولت منتسب است، عمل بازیگر غیردولتی، عمل دولت تلقی می‌شود و مسئولیت بین‌المللی بازیگر غیردولتی منتفی است. به عبارت دیگر در چنین وضعیتی، بازیگر غیردولتی، در نقش ید دولت عمل کرده و رفتار ارتكابی به دولت انتساب یافته است؛ امری که بیشتر فقد اراده مستقل بازیگر غیردولتی در چنین وضعیتی را به ذهن متبادر می‌سازد.

کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد به‌منزله نهاد علمی تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل، در شرح و تفسیر خود از ماده مربوط، واژه کارگزار یا نماینده^۲ را به کار گرفته است. کاربرد این واژه، حسب اتفاق نبوده است، بلکه فلسفه به کارگیری واژه پیش گفته در چنین وضعیتی، این است که بازیگر غیردولتی به‌عنوان نماینده، جانشین اصیل یعنی جانشین دولت محسوب شده و آنگاه است که هر اقدامی اعم از فعل یا ترک فعل که انجام داده است، به دولت منتسب دانسته می‌شود. بدین معنا که بازیگر غیردولتی را به‌مثابه موجودیتی غیراصیل و دولت را موجودی اصیل در نظر گرفته‌اند (زمانی و ضیائی، ۱۳۹۰: ۵۸). با این حال، به‌ویژه در پرتو تحولات در پهنه بین‌المللی، همیشه رفتار بازیگر غیردولتی، منتسب به دولت دانسته نمی‌شود و از این‌روست که چاره‌اندیشی باید شود و خود کمیسیون نیز به‌درستی و با اشراف بر این مهم، اعلام می‌دارد که رسالت کمیسیون در مجموعه مواد ۲۰۰۱، پرداختن به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از عمل متخلفانه بین‌المللی است و مسئولیت بین‌المللی دیگر موجودیت‌ها نظیر گروه‌های غیردولتی و سازمان‌های بین‌المللی از دامنه شمول طرح پیش‌گفته خارج است (ARSIWA, 2001: 31, 141 & 142).

در این راه، باید بین وضعیت‌های مختلف، تمایز قائل شد و میان آنها پرده کشید. این‌گونه نیست که در همه وضعیت‌ها، رفتار بازیگر غیردولتی حتماً به دولت منتسب شود، بلکه اگرچه کمیسیون به مسئولیت بازیگر غیردولتی نپرداخته، ولی آن را منتفی نیز ندانسته است. به این منظور، مسائل مختلفی در زمینه احراز مسئولیت بین‌المللی در چنین وضعیتی مطرح می‌شود. نپرداختن به مسئولیت بازیگر غیردولتی، به سبب آن بوده است که از دامنه شمول طرح مسئولیت بین‌المللی دولت خارج دانسته می‌شده است نه نفی آن. چه اینکه، بعدها در سال ۲۰۱۱، یعنی کمتر از ده سال پس از نهایی شدن پیش‌نویس مواد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از عمل متخلفانه بین‌المللی، کمیسیون حقوق بین‌الملل موفق شد مجموعه مواد مربوط به مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی را تنظیم کند. این در حالی است که در مجموعه مواد ۲۰۰۱ به فراخور رسالت آن مجموعه مواد، به مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی پرداخته

1. Governmental Authority
2. Agent

نشده بود. این امر، به معنای منتفی دانستن آن نبود، بلکه به سبب خروج موضوعی از نظر دوختن به آن پرهیز شده بود؛ امری که در مورد مسئولیت بین‌المللی بازیگران غیردولتی نیز صدق می‌کند.

مفهوم پاسخگویی، اعم از مسئولیت است و به وضعیت‌هایی اشاره دارد که بازیگر، بدون آنکه رفتاری مشخص لزوماً متضمن مسئولیت بین‌المللی آن بابت عمل متخلفانه بین‌المللی باشد، بابت آن رفتار در حقوق بین‌الملل، پاسخگو دانسته شود. درخور توجه است که به موجب حقوق بین‌الملل، برخورداری از حق، لزوماً به منزله برخورداری از امکان مطالبه و جبران نقض مربوط نیست (Carillo Santarelli, 2008: 6 & 7) و حق، در معنای دقیق کلمه، لزوماً در مقابل تعهد قرار نمی‌گیرد. احراز پاسخگویی می‌تواند مبتنی بر استانداردهایی باشد که بر بازیگران غیردولتی اعمال می‌شود، اما نه آن استانداردهایی که به موجب حقوق بین‌الملل، الزام‌آور قلمداد می‌شوند. از این رو چارچوب نظری که در آن، مسئله مسئولیت بازیگران غیردولتی مطرح می‌شود، مسیری جدای از مجرای اصلی و سنتی مسئولیت حقوقی بین‌المللی دارد. این جدایی، لزوماً به عنوان چارچوب سنتی، هرگز تکافوی نظم‌بخشی و تضمین پاسخگویی برای بازیگران غیردولتی را که همراه با دولت‌ها عمل می‌کنند، نمی‌تواند بدهد. با توجه به اینکه زلف این امر با وضعیت‌های زیانبار گره خورده است، این امر لزوماً ناشی از عمل متخلفانه بین‌المللی نیست و مقتضی است تنها به گزاره‌های سنتی و پیشینی مسئولیت بین‌المللی نظر دوخته نشود، بلکه رویکردی خسارت‌محور و قربانی‌محور، اتخاذ شود. رویکرد اخیر، دو بُعد نظم‌بخشی و پاسخگویی دارد؛ نظم‌بخشی، مشعر بر فرایندهای هنجارسازی است که در آنها، یک یا چند بازیگر، خواه به صورت یکجانبه و خواه از طریق مباحث مذاکرات با دیگران، با استانداردهایی که دامنه اقدام آنها را محدود می‌سازد، موافقت می‌کنند و به منظور پیشگیری از نتایج خسارت‌بار، هریک مسئولیت بین‌المللی، در معنای پسینی آن، دارند. پاسخگویی، تا گستره‌ای است که در آن، بازیگران غیردولتی، احتمالاً در کنار دیگر بازیگران، موضوع بررسی و ارزیابی در زمینه استانداردهای مورد توافق هستند و این صرف‌نظر از آن است که چنین استانداردهایی، به لحاظ حقوقی الزام‌آورند و از این رو، منتج به مسئولیت بین‌المللی دانسته می‌شوند یا خیر. اساساً پاسخگویی بازیگر غیردولتی به تعهد به پاسخ به دیگر بازیگران بابت رفتار خود در پرتو استانداردهای از پیش تعیین شده، اشاره دارد.

به هر روی، چنین استانداردهایی می‌تواند شامل موارد زیر شود؛ انتظارات هنجاری مشروع جامعه بین‌المللی و توسعه‌ای که ورود به وضعیت‌های نظم‌بخشی و پاسخگویی بازیگران غیردولتی را که در خسارت نقش دارند و به موجب حقوق بین‌الملل ملزم دانسته می‌شوند، مجاز می‌دارد. به‌طور مثال گروه‌های مخالف مسلح یا شرکت‌های فراملی که مرتکب سوءاستفاده حقوق بشری می‌شوند، با توجه به قواعد نظری سنتی، ناقض نظام بین‌المللی حقوق بشر به‌شمار نمی‌روند. در مورد گروه‌های مسلح، شایسته بیان است که انتظارات مشروع جامعه بین‌المللی، اقتضا دارد گروه‌های مسلحانه برتأیید که مادامی که در عرصه جهانی زیست می‌کنند، نیاز است که جامعه بین‌المللی رفتار آنها را در ترازوی اعلامیه جهانی حقوق بشر قرار دهد (UN Doc.

e/cn.4/2006/53/add.5, 2006: Paras 25-27). همسو با این موضع، به موجب گزارش نمایندگان ویژه دبیر کل در موضوع حقوق بشر و شرکت‌های فراملی و دیگر نهادهای تجاری، در مورد شرکت‌های فراملی باید گفت که مسئولیت چنین شرکتی در رعایت حقوق بشر، استاندارد جهانی در زمینه رفتار مورد انتظار برای تمامی نهادهای تجاری محسوب می‌شود و این، صرف‌نظر از آن است که شرکت مربوطه در کجا فعالیت می‌کند (UN Doc. a/hrc/17/31, 2011). در این راستاست که تحریم‌هایی نظیر توقیف اموال در مورد برخی بازیگران غیردولتی نظیر القاعده و داعش، توسط کمیته‌های تحریمی شورای امنیت سازمان ملل متحد مطرح شده است (پلاسعیدی و رنجبریان، ۱۴۰۱: ۱۷۲۶؛ نامدار و ندائی و قریبی، ۱۴۰۱: ۱۱). در این خصوص، شایسته توجه است که شورای امنیت سازمان ملل متحد به‌منزله رکن اصلی سازمان ملل متحد که رسالت آن، حفظ و برقراری صلح و امنیت بین‌المللی است، تا سال ۲۰۱۱ میلادی، ذیل فهرستی تلفیقی به مقابله با ارتکاب اعمال تروریستی توسط بازیگران غیردولتی می‌پرداخته (UNSC Res. No. 1267, 1999) و پس از سال ۲۰۱۱ میلادی، بر آن شده است تا از رهگذر فهرست‌های اختصاصی به مقابله با آنان مبادرت ورزد (UNSC Res. No. 1988, 2011 & UNSC Res. No. 1989, 2011).

۴. گستره پاسخگویی بازیگران غیردولتی

لزوم مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی را می‌توان از آورده‌ها و برآمدهای جریان سوق به سمت و سوی اخلاق دانست. با گسترش گرایش به اخلاق، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی در سطح بین‌المللی رشد زیادی داشته است (Bovens, 1998: 56; Harlow, 2011: 173). لزوم مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی حکم می‌کند آن بازیگر بی‌مسئولیت دانسته نشود. البته میزان بار کردن این مسئولیت به فراخور هر وضعیت متفاوت است. نفس امکان مسئول دانستن در چنین وضعیت‌هایی است که در اینجا اهمیت دارد. همواره فرهنگ مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی، هم در پیدایش و هم در توسعه مسئولیت بین‌المللی اثرگذار بوده است. مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی که خود برآمده از نهضت اخلاق‌گرایی است، اقتضا دارد هیچ بازیگری، خواه بازیگر دولتی باشد خواه بازیگر غیردولتی، بی‌مسئولیت نماند و پاسخگوی اعمال خود باشد (حدادی و ستایش‌پور، ۱۳۹۶: ۷۸۹ و ۷۹۰). در رویه و اندیشه‌های اندیشمندان بر لزوم پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری بازیگران در عرصه بین‌المللی تأکید شده است (Ala'i, 2008: 779). ارزش‌های اخلاقی^۲، باورهای انسانی و نقشی که در پهنه بین‌المللی بازی می‌کنند، از امور شایان توجه دنیای کنونی بین‌المللی است که آن را به‌شدت تحت تأثیر خود قرار داده است.

بایدها و نبایدهای اخلاقی و گرایش به آنها، نه تنها در عرصه حقوق مسئولیت بین‌المللی نقش دارند، بلکه در کل مجموعه در هم تنیده حقوق بین‌الملل اثر می‌گذارند. در این راه، توجه به قواعد حقوق مسئولیت بین‌المللی اهمیت خاصی دارد، چراکه حقوق مسئولیت بین‌المللی در هریک از زمینه‌های حقوق بین‌الملل کاربرد دارد. تمام شاخه‌های حقوق بین‌الملل از جمله حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حقوق بین‌الملل بشر، حقوق معاهدات، حقوق دیپلماتیک و کنسولی و ... به حقوق مسئولیت بین‌المللی نیاز پیدا می‌کنند (Borelli, 2017: 1). تعریف‌های متفاوتی از اخلاق صورت گرفته است. همواره تعریف اخلاق در پهنه بین‌المللی از محورهایی بوده است که نظرهایی متمایز، متعارض و حتی متناقض در خصوص آن مطرح شده است. اگرچه در ادبیات پارسی حقوق بین‌الملل کمتر به فلسفه حقوق پرداخته شده، ولی غرب توجه بسیاری به این علم داشته و در این باره قلم‌فرسایی‌ها کرده است. این بحث، به رابطه اخلاق و حقوق بین‌الملل منحصر نمی‌شود، بلکه در خصوص اخلاق و حقوق مباحث زیادی نوشته شده است. شاید در جهت اثبات رابطه اخلاق در حقوق بین‌الملل، برجسته‌ترین آنها ژرژ رپیر^۱، نگارنده کتاب قواعد اخلاقی در تعهدات مدنی^۲ باشد (قربان‌نیا، ۱۳۷۸: ۱۶) که توانسته است جایزه آکادمی فرانسه را به خانه خود ببرد (کاتوزیان، ۱۳۷۰: ۸). در فرهنگ قاموس سیاسی آمده است که وجدان پاک و آزاد انسان به اخلاق حکم می‌کند و کشورها بدون آنکه به لحاظ حقوقی ملزم به اخلاق بین‌المللی باشند، به آن عمل می‌کنند. از این رو است که اخلاق، اساس وضع بسیاری از مقررات حقوقی قرار می‌گیرد و بسیاری از قواعد اخلاقی در نهایت جامعه قاعده حقوقی به خود می‌پوشند (عطیه‌الله، ۱۹۶۸: ۲۱).

از آنجا که هدف قواعد حقوق بین‌الملل در کل، ترسیم چارچوب حقوقی الزام‌آور برای بازیگران جامعه بین‌المللی است، بهترین شاکله ترسیمی شاکله‌ای است که مبین مجموعه ارزشی و اخلاقی مورد قبول همه آنها باشد که در آن نقش ایفا می‌کنند. این گونه است که الزام‌آوری که شاید نقطه ضعف حقوق بین‌الملل قلمداد شود (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۱: ۱۳) را بتوان تقویت کرد (حدادی و ستایش‌پور، ۱۳۹۶: ۷۸۷). با توجه به اینکه هر روز مصادیق داخل در آن فزونی پیدا می‌کند، لزوم بیرون کشیدن ارزش‌های اخلاقی مشترک از زیر انباشتگی تفاوت، اهمیت بیشتری می‌یابد. برای تحقق این مهم باید قواعد حقوق بین‌الملل به نحوی باشند که ارزش‌های مشترک موجود در میان تمدن‌ها، آداب و رسوم متفاوت را بیان کنند (قربان‌نیا، ۱۳۷۸: ۱۹). با این همه، برخی نظیر تومازیوس^۳، کانت و هانس کلسن، در جبهه مخالف ایستاده بودند (قربان‌نیا، ۱۳۷۸: ۱۶). این عدم تجانس در اندیشه‌های مکاتب مختلف نمود بیشتری یافته است. در این میان، حامیان ایده‌آل‌گرایی، پرچمدار پرنگ بودن نقش اخلاق در عرصه بین‌الملل هستند،

1. George Ripert
2. La règle morale dans les obligations civiles (FRE)
3. Tomasius

حال آنکه در سوی مقابل، پشتیبانان واقع‌گرایی با به‌دست گرفتن بیرق نفی نقش اخلاق در این پهنه بر طبل منتفی بودن آن در گستره بین‌المللی می‌کوبند. عدم تجانس و نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... دولت‌ها موجب ایجاد تمایز میان آنها شده است.

اگرچه سازمان‌های بین‌المللی را می‌توان به‌نوعی نشان‌دهنده پدیدآیی وحدت در جامعه بین‌المللی دانست، اما راه پیدا کردن نابرابری‌های دولت‌ها و تضارب نظرهای آنها به سازمان‌های بین‌المللی، موجب سستی در این وحدت می‌شود که گاهی ناکارآمدی‌ها یا حتی انحلال سازمان را در پی دارد. با این همه، حقیقت کتمان‌نشده این است که همواره حکومت اخلاق یا دست‌کم نظارت آن در سطح جهانی از آمال و آرزوهای هر فطرت‌پاکی بوده است.

کانت، از طرفداران ریشه‌دواندن اخلاق در سیاست بین‌الملل، معتقد است که «اگرچه واقعیت روابط بین‌المللی نشان از آن دارد که هر دولتی به‌دنبال حفظ منافع خود است، اما هستند کسانی که اندیشه نظم حقوقی بین‌المللی به‌سوی اخلاق‌گرایی رو به رشد را در سر می‌پروراندند». به‌طور خلاصه، اخلاق‌گرایی که بسیار در این زمینه سخن به میان آمده است (Peters, 2009: 513; Yee, 2008: 102). از وضعیتی که در آن حاکمیت دولت، سنگ بنای نظم حقوقی بود، به دوره‌ای گذار کرده است که بر ارزش‌ها و منافع جامعه بین‌المللی تأکید دارد. در واقع این همان چیزی است که از آن به تحول مفهومی «حاکمیت» در حقوق بین‌الملل یاد می‌شود. با اینکه گرایش به‌سوی اخلاق هنوز آنچنان که باید و شاید بالغ نشده است (d'Aspremont, 2007: 219; Onuma, 2000: 53)، اما از اثرگذاری آن بر حقوق بین‌الملل نمی‌توان غافل بود. اخلاق‌گرایی به سلسله‌مراتب هنجارها می‌پردازد که کدام‌یک از هنجارها اهمیت بیشتری برای جامعه بین‌المللی دارد و نقض کدام‌یک از آنها می‌تواند رژیم مسئولیت را تغییر دهد (Shelton, 2002: 1241; Wyler, 2002: 1147; Klein, 2002: 833 & 841). همچنین گرایش به اخلاق با اعمال برخی قاعده‌های تفسیری یا به‌واسطه روند شناسایی عناصر ایجادکننده حقوق بین‌الملل عرفی بر محتوا و توسعه هنجارهای بین‌المللی اثر گذاشته است (Arajärvi, 2011: 3).

به‌طور کلی، این موج سوق به‌سوی اخلاق بر نظم عمومی حقوق بین‌الملل اثر گذاشته که با مدل افقی میان‌دولتی همزیستی دارد یا حتی می‌توان گفت که تا حدودی جانشین این مدل شده است (Nollkaemper & Jacobs, 2013: 23). اخلاق‌گرایی مرتبط‌ترین عنصر برای برداشت صحیح از مفهوم مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی است. رنگ و بوی اخلاق را می‌توان در بیشتر مصادیق داخل در دایره پاسخ‌گویی احساس کرد. پاسخ‌گویی برای ایجاد راهی مطمئن در راستای نیل به آرمان ترمیم کامل پدید آمد (Lanovoy, 2014: 134). از همین روست که اندیشمند حقوق بین‌الملل، آقای لُوو، اظهار می‌دارد منادی گسترش مسئولیت حقوقی به حوزه‌هایی است که تا پیش از این، دولت در برخی حوزه‌های مسئولیت، صرفاً مسئولیت اخلاقی داشته و رفته‌رفته حقوق به آن عرصه گام نهاده است (Lowe, 2007: 121).

در حقیقت، این اخلاق‌گرایی است که بازیگر غیردولتی را به پذیرش مسئولیت بابت عملی که ایفا کرده است، سوق می‌دهد و چنین مسئولیتی، فارغ از آن است که بازیگران غیردولتی به‌طور مستقل آن عمل را انجام داده‌اند یا همراه با بازیگر یا بازیگران غیردولتی دیگر، مرتکب آن شده‌اند.

این امر، در نهایت، مبتنی بر این ایده است که آن بازیگران غیردولتی که برخی از آشکال اقتدار عمومی را اعمال می‌دارند و اقدام‌هایی که می‌تواند به اقدامات خسارت‌بار در سطح بین‌المللی منتج شود، به‌طور معمول نهادهایی هستند که ساختاری نسبتاً یکپارچه و رسمی دارند. بازیگران فاقد ساختار یکپارچه و رسمی، به‌ندرت در اقدامات خسارت‌بار جمعی نقش بازی می‌کنند. از این‌روست که بر بازیگران غیردولتی سازمان‌یافته، تمرکز می‌شود. سازمان‌های بین‌المللی بین‌الدولی، به‌عنوان بازیگران غیردولتی سازمان‌یافته در اینجا مطرح نیستند، چراکه اساساً بین‌الدولی قلمداد می‌شوند و در زمره تابعان فعالی جامعه بین‌المللی برشمرده می‌شوند. یکپارچگی ساختاری و رسمی بودن، بایسته مسائل مربوط به مسئولیت در این زمینه است. در مقایسه با دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، گفته شده است که خصیصه سازمان‌یافتگی بازیگران غیردولتی، نسبی است (Bílková, 2015: 72). چه اینکه، برخی از گروه‌های مسلح، ساختاری بدوی و ناقص دارند. افزون بر این، لازم نیست که خصیصه سازمان‌یافتگی بازیگران غیردولتی، دائمی باشد. بدون تردید در موارد زیادی، بازیگران غیردولتی مانند گروه‌های مخالف مسلح یا تروریست یا حتی شرکت‌های خصوصی نظامی، موجودیت‌هایی موقتی‌اند. این امر حکایت از آن دارد که خصیصه سازمان‌یافتگی بازیگران غیردولتی با مشکلات مشخصی از جمله در زمینه انتساب و جبران خسارت در مسئولیت روبه‌روست.

در این باره، درخور توجه است که در بسیاری از موارد، عمل متخلفانه از رهگذر عمل بازیگر واحد ارتکاب می‌یابد، ولی در وضعیتی که اعمال متخلفانه بین‌المللی توسط اعمال مشترک یا جمعی بازیگران متعدد ارتکاب یابد، آنگاه قواعد خاصی برای پرداختن به مسئولیت نیاز است. مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل در زمینه مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از عمل متخلفانه بین‌المللی و مجموعه مواد ۲۰۱۱ کمیسیون حقوق بین‌المللی در زمینه مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی، به‌رغم برخی ایراداتی که بر آنها وارد شده است، دربردارنده چنین قواعدی در خصوص دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی‌اند. قواعد خاص یادشده، مربوط به انتساب رفتار، انتساب مسئولیت، استناد به مسئولیت و محتوای مسئولیت است (Bílková, 2015: 72). به‌رغم این محدودیت‌ها، سوق به‌سوی رویکرد پسینی در زمینه مسائل مسئولیت، از طریق تنظیم استاندارد پیشنهاد می‌شود و در خصوص فعالیت‌های شماری از بازیگران غیردولتی، محتاطانه می‌توان از آن حمایت کرد.

در این باره شایسته توجه است که اگرچه بازیگران غیردولتی، از توانایی جبران خسارت کامل به‌مثابه یکی از پیامدهای اصلی مسئولیت بین‌المللی، برخوردار نیستند و سازوکار لازم برای جبران خسارت کامل را

ندارند، اما در وضعیت‌هایی نظیر ارتکاب نسل‌زدایی، افزون بر مسئولیت حقوقی بین‌المللی، مسئولیت بین‌المللی کیفری نیز متصور است و در واقع، مسئولیت موازی دولت و بازیگر غیردولتی وقوع می‌یابد. این امر، به سبب ماهیت دوگانه عمل مربوطه نظیر نسل‌زدایی است که همزمان از دو شأن مدنی و کیفری برخوردار است. باری، این امر به منزله مسئولیت حقوقی بین‌المللی بازیگر غیردولتی نیست، بلکه مسئولیت حقوقی بین‌المللی دولت را، به طور همزمان، همراه با مسئولیت بین‌المللی کیفری بازیگر غیردولتی در پی دارد.

۵. نتیجه

درست است که به موجب حقوق بین‌الملل موضوعه، هیچ سند حقوقی بین‌المللی الزام‌آوری وجود ندارد که در آن به طور مستوفی به مسئولیت بین‌المللی بازیگران غیردولتی پرداخته شده باشد، اما در هیچ‌یک از منابع اصلی حقوق بین‌الملل، نه تنها مسئولیت بین‌المللی بازیگران غیردولتی نفی نشده که حتی راه برای پرداختن به چنین مسئولیتی فراهم شده است. باری، در حقوق بین‌الملل نوشته به آن پرداخته نشده است و در حقوق بین‌الملل عرفی نیز به فراخور آنکه صلاحیت محاکم بین‌المللی اغلب در مورد رسیدگی به اعمال کشورها یا اشخاص حقیقی و بعضاً سازمان‌های بین‌المللی است، مجال رسیدگی به احراز و شناسایی قواعد احتمالی در حقوق بین‌المللی عرفی، حاصل نشده است. چه اینکه قاعده حقوق بین‌الملل عرفی افزون بر تکوین، لازم است تا احراز شود و در حقوق بین‌الملل، محاکم بین‌المللی اعم از داوری و قضایی، بهترین سازوکار در احراز قاعده حقوق بین‌الملل عرفی‌اند. درباره سازمان‌های بین‌المللی هم به سبب آنکه رویه کمتری به خصوص در محاکم وجود دارد، این قواعد دیرتر تنظیم شده‌اند و در مقایسه با مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها کمتر جنبه عرفی دارند.

افزون بر این، شباهت زیاد قواعد مربوط به مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی در حقوق بین‌الملل، موجب تسریع در فرایند تنظیم قواعد مربوط به مسئولیت بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی بابت اعمال متخلفانه بین‌المللی توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل شد. چه اینکه، کمیسیون در تنظیم، چه تدوین و چه توسعه تدریجی، مجموعه مواد ۲۰۱۱ در زمینه مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی تا آنجا که ماهیت سازمان‌های بین‌المللی و کارویژه آنها اقتضا داشت، از روش کپی-الحاق استفاده کرد، ولی کاربست این روش در مورد بازیگران غیردولتی منتفی است، چراکه بازیگران غیردولتی اساساً با دولت‌ها متفاوت‌اند که این امر، موجب می‌شود تا تسری قواعد سنتی مسئولیت بین‌المللی دولت، تصنعی و ابتر باشد. سازمان نیافتگی، موقتی بودن، گوناگونی، عدم مشروعیت یا حتی خصیصه آشکار کیفری آنها، مانع از اعمال الگوی سنتی مسئولیت در زمینه مناسبات دولت و بازیگر غیردولتی است. چنین مدلی از مسئولیت بین‌المللی، تنها تا آنجایی کاربرد دارد که مخاطبان آن، در وهله اول، ملزم به هنجارهای اولیه حقوق بین‌الملل باشند. از این رو با توجه به لزوم احراز حقوق بین‌الملل عرفی و ندرت محاکم بین‌المللی ذی صلاح

برای احراز قاعده احتمالی در حقوق بین‌الملل عرفی، بحث تدوین مسئولیت بین‌المللی در حوزه بازیگران غیردولتی موجب صعوبت مضاعف شده است، این در حالی است که حقوق مسئولیت بین‌المللی، بیشتر عرف محور است. اساساً عدم احراز قاعده حقوق بین‌الملل عرفی به معنای نبود قاعده حقوق بین‌الملل عرفی نیست. باری، مسئولیت بین‌المللی بازیگران غیردولتی، منتفی نیست؛ کما اینکه مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل، به فراخور موضوع خود که دولت‌ها بوده به آن نپرداخته است، و اگر نه مسئولیت بازیگران غیردولتی را منتفی ندانسته است. در همین راستاست که وضعیت‌هایی که در آنها، اقدامات بازیگران غیردولتی، منتسب به دولت دانسته شده است، در مجموعه مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل تصریح شده‌اند، ولی وضعیت‌هایی که در آنها، اقدامات بازیگران غیردولتی به دولت منتسب نمی‌شود و به خود بازیگر غیردولتی منتسب است، مسکوت مانده است و این به سبب دامنۀ موضوعی آورده‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل بوده است و نه انکار مسئولیت بین‌المللی بازیگران غیردولتی. اگر سکوت به معنای جواز دانسته نشود، حداقل این است که بی‌شک نباید به معنای انکار نیز تلقی شود؛ چه اینکه، اقتضائات جامعه بین‌المللی و تحولاتی که در آن حادث شده، لازم می‌دارد که حقوق بین‌الملل همپای با تحولات به پیش برود و پویایی خود را حفظ کند.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۱). *حقوق بین‌الملل عمومی*. تهران: گنج دانش.
۲. قربان‌نیا، ناصر (۱۳۷۸). *اخلاق و حقوق بین‌الملل*. تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۰). *مسئولیت مدنی - ضمان قهری*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

ب) مقالات

۴. پلاسعیدی، پریا و رنجبریان، امیرحسین (۱۴۰۱). بازخوانی انتقادی مفهوم امنیت جمعی در نظام کنونی بین‌المللی. *مطالعات حقوق عمومی*، (۴)، ۱۷۱۷-۱۷۳۷.
۵. حدادی، مهدی و محمد ستایش پور (۱۳۹۶). کنکاش در لزوم وجود نهاد «مسئولیت اشتقاقی» در آورده‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل. *مطالعات حقوق عمومی*، (۳)، ۷۷۱-۷۹۵.
۶. زمانی، سیدقاسم و ضیائی، سیدياسر (۱۳۹۰). تعمیم نظام مسئولیت بین‌المللی به بازیگران غیردولتی با تأکید بر جدایی‌طلبان. *مجله حقوقی بین‌المللی*، (۴۵)، ۵۳-۸۳.

۷. ستایش پور، محمد و کیخسروی، مهدی (۱۴۰۱). مسئولیت بین‌المللی بحرین و عربستان سعودی ناشی از نقض حقوق بشر در بحرین. *مطالعات حقوق عمومی*، (۴)، ۲۰۴۱-۲۰۵۶.
۸. نامدار وندائی، سالار و قریبی، حسین (۱۴۰۱). انعطاف رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم در برابر طالبان. *سیاست خارجی*، (۱)، ۵-۲۶.

۲. عربی

۹. عطیه‌الله، احمد (۱۹۶۸). *القاموس السياسي*. مصر: دارالنهضة العربیة.

۳. انگلیسی

A) Books

1. Borelli, S. (2017). *State Responsibility in International Law*. Oxford University Press.
2. Bovens, M. (1998). *The Quest for Responsibility: Accountability and Citizenship in Complex Organizations*. Cambridge University Press.
3. Gal-Or, N., Ryngaert, C., & Noortmann, M. (edn.) (2015). *Responsibilities of the Non-State Actor in Armed Conflict and the Market Place: Theoretical Considerations and Empirical Findings*. Brill Nijhoff Publishers.
4. Lowe, V. (2007). *International Law*. Cambridge University Press.

B) Articles

5. Ala'i, P. (2008). From the Periphery to the Center? The Evolving WTO Jurisprudence on Transparency and Good Governance. *Journal of International Economic Law*, (11), 779-802.
6. Arajärvi, N. J. (2011). The Lines Begin to Blur? Opinio Juris and the Moralisation of Customary International Law. *Electronically available at* https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1823288
7. Břlková, V. (2015). Armed Opposition Groups and Shared Responsibility. *Netherlands International Law Review*, (62), 69-89.
8. Carillo Santarelli, N. (2008). Non-State Actors Human Rights Obligations and Responsibility under International Law. *Revista Electrónica de Estudios Internacionales*, (15), 1-10.
9. d'Aspremont, J. (2007). The Foundations of the International Legal Order. *Finnish Yearbook of International Law*, (18), 219-255.
10. d'Aspremont, J., Nollkaemper, A., Plakokefalos, I., & Ryngaert, C. (2015). "Sharing Responsibility Between Non-State Actors and States in International Law: Introduction. *Netherlands International Law Review*, (62), 49-67.
11. Farrior, S. (1998). State Responsibility for Human Rights Abuses by Non-State Actors. *Proceedings of the American Society of International Law Annual Meeting*, (92), 200-303.
12. Harlow, C. (2011). Accountability as a Value in Global Governance and for Global Administrative Law. in: Gordon, Anthony; Jean-Bernard, Auby; Marison, J., & Zwart, T. (edn.) *Values in Global Administrative Law*, Hart Publishing, 167-185.

13. Klein, P. (2002). Responsibility for Serious Breaches of Obligations Deriving from Peremptory Norms of International Law and United Nations Law. *European Journal of International Law*, (13), 1241-1255.
14. Lanovoy, V. (2014). Complicity in an Internationally Wrongful Act. in Nollkaemper, André and Plakokefalos, Ilias, *Principles of Shared Responsibility in International Law: An Appraisal of the State of the Art*, Cambridge University Press, 134-168.
15. Mc Beth, A. (2008). "Every Organ of Society: The Responsibility of Non-State Actors for the Realization of Human Rights. *Hamline Journal of Public Law and Policy*, (30), 1-56.
16. Nollkaemper, A., & Jacobs, D. (2013). Shared Responsibility in International Law: A Conceptual Framework. *Michigan Journal of International Law*, (34), 359-438.
17. Onuma, Y. (2000). In Quest of Inter-Civilizational Human Rights: 'Universal' vs. 'Relative' Human Rights Viewed from an Asian Perspective. *Asia Pacific Journal on Human Rights and the Law*, (1), 53-88.
18. Peters, A. (2009). Humanity as the A and Ω of Sovereignty. *European Journal of International Law*, (20), 513-544.
19. Shelton, D. (2002). Righting Wrongs: Reparations in the Articles on State Responsibility. *American Journal of International Law*, (96), 833-856.
20. Tomuschat, C. (2004). The Applicability of Human Rights Law to Insurgent Movements. in: *Horst Fischer, Ulrika Froissart, Wolff Heintschel von Heiegg & Christian Raap* (edn.). *Krisensicherung und Humanitarer Schutz- Crisis Management and Humanitarian Protection: Festschrift fur Dieter Fleck*, Berliner Wissenschafts-Verlag, 573-591.
21. Wyler, E. (2002). From 'State Crime' to Responsibility for 'Serious Breaches of Obligations under Peremptory Norms of General International Law. *European Journal of International Law*, (13), 1147-1160.
22. Yee, S. (2008). Towards a Harmonious World: The Roles of the International Law of Co-progressiveness and Leader States. *Chinese Journal of International Law*, (7), 99-105.

C) International Documents

23. Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide [Genocide Convention] (1948). United Nations, Treaty Series, vol. 78, 9 December.
24. Human Rights Council [HRC] (2011). Report of the Special Representatives of the Secretary-General on the Issue of Human Rights and Transnational Corporations and Other Business Enterprises, Ruggie John, Guiding Principles on Business and Human Rights: Implementing the United Nations "Protect, Respect and Remedy" Framework, A/HRC/17/31, 21 March.
25. International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination (1966). United Nations, Treaty Series, vol. 660, 7 March.
26. International Law Association [ILA] (2004). Final Report of Berlin Conference concerning Accountability of International Organizations, *International Organizations Law Review*, vol. 1, pp. 221-293.
27. League of Nations Doc. (1929). Conference for the Codification of International Law, Bases of Discussion for the Conference Drawn up by the Preparatory Committee, Vol III: Responsibility of States for Damages Caused in their Territory to the Person or

-
- Property of Foreigners, Doc. C. 75. M69. 1929. V.
28. United Nations Economic and Social Council (2006). Civil and Political Rights, including the Questions of Disappearances and Summary Executions, Extrajudicial, Summary or Arbitrary Executions, Report of the Special Rapporteur Philip Alston, Mission to Sri Lanka (28 November to 6 December 2005), E/CN.4/2006/53/Add.5, 27 March.
 29. United Nations Security Council [UNSC] (1998). The Situation in Guinea-Bissau, S/RES/1216, 21 December
 30. United Nations Security Council [UNSC] (1999). S/RES/1267.
 31. United Nations Security Council [UNSC] (2011). S/RES/1988.
 32. United Nations Security Council [UNSC] (2011). S/RES/1989.
 33. United Nations Security Council [UNSC] (2003). The Situation in Afghanistan, S/RES/1471, 28 March.
 34. United Nations Security Council [UNSC] (2003). The Situation in Liberia, S/RES/1509, 19 September.